

نفس تا زمانی که در این دنیا همراه بدن است، در حصار بدن اسیر شده و تمام خصوصیات و ویژگی های بدن در نفس تأثیر خواهد گذاشت. قطعاً از مهم ترین عواملی که در ادراکات، احساسات و هویت انسان در این عالم مؤثر است، جنسیت است

# جنسیت نفس چیست؟ «۲»

## دلایل اثبات جنسیت مندی نفس در فلسفه و کلام اسلامی

زیب تاجیک  
پژوهشگر، نویسنده و محقق در حوزه فلسفه و کلام اسلامی

آغاز تأمل انسان درباره حقیقت خویش، همپای آفرینش انسان و همزاد تفکر و پرسش است. بحث از حقیقت انسان و ابعاد هویتی آن، در زمان های مختلف به فراخور نیاز، مباحث و مسائل حکما و متکلمان از منظرهای مختلفی بررسی شده است. با عمیق تر شدن مطالعات جنسیتی و ورود فعالان فمینیست به مباحث فلسفی و الهیاتی، سؤال از نسبت جنسیت و حقیقت انسان در تیررس اندیشمندی قرار گرفته است که به رویکرد فلسفی-کلامی به مطالعات جنسیتی زنان می پردازند. بحث از جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی نفس، دغدغه متکلمان و فلاسفه متقدم ما نبوده است. اما برای پاسخ به این مسأله می توان از نردبان بلند نفس شناسی آنها بالا رفته و پاسخی سلبی یا ایجابی به این پرسش داد. در فضای فلسفه و کلام اسلامی حقیقت انسان نفس و روح یا ترکیب نفس و بدن است. برای بررسی نسبت جنسیت و نفس باید با نگاه تحلیلی نفس شناسی حکمای اسلامی را بررسی کرد.

### تجرد نفس

از مجموع توضیحات و تحلیل-هایی که متکلمان و فلاسفه اسلامی در ارتباط با هویت و حقیقت انسان بیان کرده اند، می توان نظریه اصلی در فضای فلسفه و کلام اسلامی را به نفع این دیدگاه دانست که هویت و حقیقت انسان در دنیا مجموع نفس و بدن است که ارتباط و اتصال شدیدی با هم خواهند داشت. اگر هویت انسان را تنها نفس مجردی که هیچ گونه ارتباط و اتصال با بدن مادی ندارد می-دانستند، یا قائل به تجرد تام عقلی برای نفس بودند، شاید قول به جنسیت مندی نفس چندان صحیح به نظر نمی آمد اما در تحلیل هویت انسان در اندیشه این اندیشمندان مشخص می شود که اولاً تجرد نفس از نوع تجرد مثالی و تجرد کلامی است که اگر چه نفس جسم و جسمانی نیست، اما برخی از ویژگی های بدن مادی را می-تواند بپذیرد و به طور کلی عاری از خصوصیات مادی نخواهد بود و زمینه جنسیت مندی نفس فراهم خواهد شد.

### حدوث نفس

از آنچه درباره چگونگی حدوث نفس از نظر اکثر حکمای اسلامی بیان شده است می توان چنین نتیجه گرفت که بدن و ویژگی-های جسم مادی به نوعی برای حدوث نفس علیت دارند. زیرا نفس به دلیل تجرد نمی تواند عوارضی را که سبب تشخیص و تکثر نفوس می شوند به تنهایی

بپذیرد و حتماً باید در ارتباط با یک بدن مادی باشد که پذیرنده این عوارض شود و این همان معنی حدوث نفس است. در واقع زمانی که بدن به حدی از اعتدال برسد، نفس حادث خواهد شد. پس بدن و ویژگی های بدن مادی مشخص می کند چه نفسی به چه بدنی تعلق بگیرد. طبق این توضیحات حتی اگر نفس ذاتاً از خصوصیات جنسیتی عاری باشد بعد از تعلق به یک بدن خاص از ویژگی های جنسیتی تأثیراتی خواهد پذیرفت. چگونگی تبیین نحوه حدوث نفس دلیلی بر این مسأله است که نفس از جهت جنسیتی جهت مند خواهد بود و نفسی که به یک بدن زنانه تعلق می گیرد تا با تصرف در آن و تدبیر آن راه کمال را طی کند با نفسی که به یک بدن مردانه تعلق می گیرد که از این طریق کمالات بالقوه خود را به فعلیت برساند تفاوت-هایی دارد و نفس جنسیت مند خواهد بود.

### رابطه نفس و بدن

از مباحثی که در مورد رابطه نفس و بدن در فلسفه و کلام اسلامی تبیین شده است، می توان چنین نتیجه گرفت که، نفس تا زمانی که در این دنیا همراه بدن است، در حصار بدن اسیر شده و تمام خصوصیات و ویژگی های بدن در نفس تأثیر خواهد گذاشت. قطعاً از مهم ترین عواملی که در ادراکات، احساسات و هویت انسان در این عالم مؤثر است، جنسیت است. اکثر حکمای اسلامی صراحتاً به ارتباط و اتصال شدید

نفس و بدن در عالم دنیا اشاره کرده اند و طبق این ارتباط تنگاتنگی که نفس با بدن مادی دارد نمی تواند از لحاظ جنسیتی جهت مند نباشد. از مباحث مهم دیگری که مورد توجه حکمای اسلامی بوده است این مسأله است که مدرک حقیقی در انسان کیست؟ شکی نداریم که زنان و مردان در ادراکات و احساسات و تمایلات تفاوت هایی دارند؛ اگر نفس جایگاه اصلی این ادراکات و احساسات باشد می توانیم اختلافات جنسیتی را به حاق وجود زنان و مردان سرایت دهیم. وابستگی نفس به بدن در مقام فعل و طی کردن راه کمال که مورد تأکید اکثر اندیشمندان اسلامی است و نوع رابطه نفس و بدن از منظر ایشان، به این معنی است که: نفس قابلیت رسیدن به بسیاری از کمالات را دارد که در زمان حدوث فاقد آن هاست. این قابلیت و شایستگی رسیدن به کمالات به معنای بالقوه بودن این کمالات است که جز با وابستگی و نیاز نفس به بدن قابل توجیه نیست. برای به فعلیت رساندن این کمالات بالقوه باید استعداد حصول آنها به وجود آید. برای حاصل شدن زمینه ای برای به فعلیت رساندن کمالات بالقوه باید با عالم مادی و حسی ارتباط برقرار کند. این ارتباط به معنی نیاز مندی نفس به بدن برای طی کردن راه کمال است. نفس باید با کمک اندام های ادراکی و تحریکی مادی از بدن و جسم مادی برای رسیدن به کمالات بالقوه خود استفاده

کند. طبق توضیحاتی که داده شد نمایان می شود که هر کمالی که نفس به آن می رسد با وساطت بدن و جسم مادی است. طبق این مبانی، هر کمال علمی، غیر علمی، اخلاقی و... که نفس بخواهد به آن برسد بواسطه به کارگیری اندام های ادراکی و تحریکی بدن است. پس تمام ادراکات و گرایش های بدن مادی در طی کردن راه کمال توسط نفس می تواند مؤثر باشد. از مهم ترین مواردی که در تشخیص و هویت بدن مادی و هویت هر انسانی قطعاً مؤثر است جنسیت است. در واقع طبق توضیحاتی که داده شد، نفسی که در حال تدبیر بدن زنانه است با نفسی که در حال تدبیر بدن مردانه است از لحاظ جنسیتی متفاوت عمل می کند؛ زیرا اختلافات زنان و مردان حاصل تدبیر و تصرف تحریکی نفس با ابزارهای ادراکی و تحریکی بدن زنانه و مردانه است. در واقع در اندیشه این متکلمان فرمانده اصلی انسان نفس اوست که با به کارگیری قوای ادراکی و تحریکی بدن به تدبیر این احساسات و گرایش های می پردازد؛ پس جایگاه این اختلافات حاق وجود انسان ها یعنی روح و نفس است. طبق این توضیحات بدن و اندام های مادی صرفاً آلت و وسیله ای در اختیار نفس هستند تا با تصرف و تدبیر آنها مراحل کمال را طی کند. نفس در حالی که تدبیر بدن و احساسات و گرایش های زنانه می کند با زمانی که تدبیر ویژگی های مردانه می کند متفاوت عمل می کند.

نفسی که در حال تدبیر بدن زنانه است با نفسی که در حال تدبیر بدن مردانه است از لحاظ جنسیتی متفاوت عمل می کند؛ زیرا اختلافات زنان و مردان حاصل تدبیر و تصرف متفاوت نفس با ابزارهای ادراکی و تحریکی بدن زنانه و مردانه است. در واقع در اندیشه این متکلمان فرمانده اصلی انسان نفس اوست که با به کارگیری قوای ادراکی و تحریکی بدن به تدبیر این احساسات و گرایش های می پردازد

در صورتی که سؤالی از این میحت دارید می توانید برای ما ارسال کنید.

Farnazinanloo31377@gmail.com